

تحلیلی بر منازعات گفتمانی «حجاب» در دوره جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ ش. / ۱۹۸۱ - ۲۰۱۳ م.)

علیرضا محسنی ابوالخیری

دانشجوی دکتری جامعه شناسی انقلاب پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
alireza.mohseni390@gmail.com

علی محمد حاضری

دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس
hazeri_a@modares.ac.ir

چکیده:

مسئله پژوهش حاضر این است که علی‌رغم هژمونیک شدن حجاب اسلامی از اواسط ۱۳۵۸ هـ.ش و به ویژه با حذف گفتمان سکولاریسم و هژمون شدن گفتمان اسلام‌گرایی - به عنوان تنها گفتمان موجود که می‌توانسته انگاره خود را از حجاب بدون رقیب هژمون سازد - از سال ۱۳۶۰، مسئله حجاب همچنان در فضای گفتمان اسلام‌گرایی و جمهوری اسلامی موجودیت داشته است. پرسش این است که: «چگونه و چرا مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایجاد گشته و تداوم یافته است؟» پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی این فرضیه را به آزمون گذاشته است که «مسئله حجاب، معلول قرائت‌های متفاوت خرده‌گفتمان‌های کلان گفتمان اسلام‌گرایی - گفتمان‌های دوره جنگ، سازندگی، اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی - بر مبنای فضای گفتمانی خود، از انگاره حجاب اسلامی - حد حجاب شرعی (حجاب حداکثری و حداقلی) و تکلیف حکومت در الزام یا عدم الزام به حجاب - است». واکاوی منابع و داده‌های دست اول تاریخی و ردیابی فرآیند منازعات گفتمانی حجاب در این دوره، فرضیه طرح شده را اثبات می‌نماید.

واژگان کلیدی: حجاب، جمهوری اسلامی، گفتمان اسلام‌گرایی، حد حجاب، تکلیف حکومت

مقدمه

مسأله حجاب از ابتدای موجودیت جمهوری اسلامی ایران، یکی از مسائل نظری - فقهی و سیاسی - اجتماعی چالش‌زا در این نظام بوده است. با پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، ایجاد نظامی انقلابی و تأسیس دولت موقت، فضای سیاسی - اجتماعی ایران شاهد منازعات گفتمانی بر سر حجاب - مسأله حجاب - بود. در دوره پساانقلابی (۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ ش) انگاره حجاب متأثر از فضای گفتمانی این دوره، ابتدا فضای استعاری انقلاب - فضایی استعاری، آرمانی و موقتی که در سایه آن نشانه‌های ناسازگار گفتمانی، آنچنان به هم چفت و بست شدند که بسیاری از گروه‌های سیاسی فعال در صحنه انقلاب، همه آمال خود را در آن فضا جست‌وجو می‌کردند (سلطانی ۱۳۸۴: ۱۳۹-۱۴۳؛ Laclau 1994: 66-67) و سپس فضای هژمونیک گفتمان اسلام‌گرایی - بود.

در واقع، عاملی که حجاب را در این دوران به مسأله تبدیل کرد، منازعات گفتمانی سکولارها و مذهبی‌ها در مورد حجاب در ابتدای پیروزی انقلاب بود که به سبب خصلت فضای استعاری انقلاب، توافق موقتی حاصل گشت، ولی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی و هژمونیک شدن گفتمان اسلام‌گرایی و شکسته شدن فضای استعاری، انگاره حجاب گفتمان مسلط در اواسط سال ۱۳۵۹ ش. حاکم گردید که عبارت بود از: «حداقل پوشیدن روپوش تا زانو با آستین‌های بلند تا مچ دست، به سر کردن روسری که در زیر گلو گره خورده و موی سر را کاملاً بپوشاند به همراه شلوار ضخیم»، پوششی که «حجاب انقلابی» نامیده می‌شد.

ولی نکته مبهم اینکه «مسأله حجاب» علی‌رغم هژمونیک شدن حجاب انقلابی در انتهای فضای پساانقلابی، در سال‌های آتی حیات جمهوری اسلامی وجود داشته که به صف‌بندی‌های نظری و عملی نخبگان سیاسی و دینی منجر شده است. این ابهام، زمانی پیچیده‌تر می‌شود که تحولات گفتمانی انتهای فضای پسا انقلابی یعنی اواسط سال ۱۳۶۰ ش. در نظر گرفته شود؛ زمانی که گفتمان سکولاریسم در فضای رقابت حذف گردید و گفتمان اسلام‌گرایی به گفتمان هژمونیک تبدیل گشت، گفتمانی که بدون رقیب می‌توانست انگاره مورد نظرش از حجاب را هژمون کند و لذا وجود مسأله حجاب از آن زمان تا کنون غیرعادی به نظر می‌رسد.

در توضیح بیشتر، ابهام موجود این است که علی‌رغم هژمونیک شدن «حجاب انقلابی» از اواسط ۱۳۵۸ ش. و به ویژه با حذف گفتمان سکولاریسم - و انگاره حجاب

مورد نظر آن - و هژمون شدن گفتمان اسلام‌گرایی - به عنوان تنها گفتمان موجود که می‌توانسته انگاره خود از حجاب را بدون رقیب پیروانند - از سال ۱۳۶۰، مسأله حجاب همچنان در فضای گفتمان اسلام‌گرایی موجودیت داشته است. اگر چه در دهه اخیر آثار نسبتاً پرشماری با موضوع حجاب با نگاه‌ها و دغدغه‌هایی چون: بررسی مباحث فقهی مربوط به حدود حجاب و چرایی حجاب؛ فواید حجاب و آثار آن و پیامدهای بی‌حجابی؛ ابعاد روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه تمایل افراد به بی‌حجابی؛ تشریح مبانی حقوقی دخالت حکومت اسلامی در موضوع حجاب، بررسی و آسیب‌شناسی عملکرد جمهوری اسلامی در موضوع حجاب و شناسایی موارد اصولی، سیاست‌ها و برنامه‌های گسترش‌دهنده حجاب به نگارش درآمده‌اند؛ ولی ابهام مطرح شده هنوز در دیگر آثار پژوهشی مورد توجه قرار نگرفته است.

پرسش پژوهش حاضر این است که: «چگونه و چرا مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران ایجاد گشته و تداوم یافته است؟» پیش از طرح فرضیه، لازم به ذکر است که انگاره حجاب اسلامی در دو بُعد قابل تقسیم و مطالعه است: «حد حجاب» و «تکلیف حکومت در الزام یا عدم الزام جامعه به رعایت حجاب» و در این دو جزء در بین عالمان دینی اختلاف نظر وجود دارد. فرضیه این است که «هر یک از خرده گفتمان‌های اسلام‌گرایی - گفتمان‌های دوره جنگ، سازندگی، اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی - بر مبنای فضای گفتمانی خود، درصدد بوده‌اند انگاره خود از حجاب - حجاب حداکثری یا حجاب حداقلی و تکلیف داشتن حکومت به الزام حجاب یا عدم تکلیف حکومت به الزام حجاب - را حاکم سازند.» پژوهش حاضر در تلاش است با واکاوی داده‌های دست‌اول تاریخی و ردیابی فرآیند منازعات گفتمانی حجاب، این فرضیه را به آزمون گذارد.

چهارچوب مفهومی

الف. حجاب و حد حجاب

حجاب به معنای پوشش شرعی بانوان است و این مفهوم را می‌توان در دو بُعد، تقسیم و عینی‌سازی نمود:

۱. نوع پوشش (نوع و رنگ پوشاکی که باید استفاده شود و میزان جلب توجه آن)؛
۲. میزان پوشش (اندامی که باید پوشیده شوند).

در باب حد حجاب در گفتمان اسلام‌گرایی فقه‌ای، تفاوت نظر وجود دارد. یک نگاه، که در پژوهش حاضر «حد حجاب حداکثری» نامیده می‌شود، به پوشاندن همه اندام حتی وجه (صورت) و کفین (کف دو دست)، و لزوم استفاده از چادر معتقد است. آیت‌الله صافی گلپایگانی و آیت‌الله فاضل لنکرانی دارای این نگاه هستند (دخت‌ایران ۱۳۹۲/۱/۱۰؛ خبرگزاری مهر ۱۳۹۱/۴/۲۳).

نگاه دیگر - که در پژوهش حاضر «حد حجاب حداقلی» نامیده می‌شود - به پوشاندن همه اندام، مگر وجه و کفین نه لزوماً با چادر قائل است. در این نگاه، لزومی در باب استفاده از چادر وجود ندارد - چادر صرفاً حجاب برتر نامیده می‌شود - و شرط این است که نوع پوشاک یا رنگ آن، توجه نامحرمان را جلب نکند. دیدگاه امام خمینی و رهبری در این زمره قرار دارد (ر.ک: استفتائات امام ج ۳: ۲۴۷-۲۵۳ و khamenei.ir ۱۳۹۵/۴/۲۱).

ب. الزام و عدم الزام حکومتی حجاب

گروهی بر این باورند که اصل حجاب به عنوان وظیفه شرعی، مانند هر یک از واجبات شرعی فردی و اجتماعی، واجب است؛ لذا بی‌حجابی چون حرام است، باید از آن جلوگیری کرد و برای ملزم کردن زنان، حکومت اسلامی باید قوانین الزامی وضع نماید. آیات عظام مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، حسینی شاهرودی و نوری همدانی در استفتائاتی به الزام حکومتی حجاب معتقد هستند. ایشان بیان می‌دارند که حکومت اسلامی حق دارد به عنوان حکم اولیه، رعایت حجاب را بر زنان مسلمان اجبار کند و در این خصوص وظیفه هم دارد (ر.ک: دخت‌ایران، ۱۳۹۲/۱/۱۰). گروه دیگر از جمله سیدمحمدعلی ایازی - که از سوی چند تن از مراجع بزرگ حوزه علمیه قم - اجازه اجتهاد دارد، بر این باور است که اصل حجاب هرچند واجب شرعی است، اما وظیفه شخصی و در حوزه خصوصی تکالیف دینی فردی است؛ لذا الزام بر آن جایز نیست و نمی‌توان کسی را بر بی‌حجابی کیفر کرد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران ۱۳۹۱/۰۴/۲۶).

منازعات گفتگویی حجاب در گفتمان اسلام‌گرایی

۱. انگاره حجاب در گفتمان دوره جنگ (۱۳۶۸-۱۳۶۰)

(الف) حد حجاب حداکثری

فضای جنگ، غلبه ارزش‌های اسلامی را نمودار کرده و نگاه حداکثری به حد و نوع پوشش زنان - پوشاندن همه قسمت‌های بدن و لزوم چادر- را هژمون ساخت. جنگ، حضور زنان محجبه در عرصه عمومی را ارج نهاده و آنها را به ایفای نقش در برنامه‌های انقلابی و جبهه‌ها فرا می‌خواند. این فضا، دانشی از زنان در مقام مادر، مبارز و محجبه تولید می‌کرد؛ دانشی که در قالب وصایای شهدا (ر.ک: آثار اسناد شهدا و ایثارگران: وصیتنامه شهدا ۱۳۸۸)، اشعار و خاطرات مربوط به از خودگذشتگی‌های زنان و گزارش‌های رسانه‌ای از آنها تولید و تکثیر می‌گشت. جنگ با عینیت بخشیدن به حضور زنان در جامعه، عرصه عمومی جدیدی خلق کرد که به خوبی می‌توانست با جذب زنان طبقه فرودست جامعه آنها را در این عرصه مشارکت دهد و انرژی سرشاری را نصیب انگاره حجاب کند (مرادخانی ۱۳۹۰: ۱۰۶).

در سال‌های جنگ، شور و اشتیاق دینی و انقلابی و احساس نیاز به وحدت در مقابل دشمن، حتی قبل از تصمیم قانون‌گذاران، اکثریت زنان را نسبت به انتخاب حجاب اسلامی ترغیب نمود؛ آن هم نه فقط برای انجام یک تکلیف الهی، بلکه به عنوان پرچم دفاع از ارزش‌های اسلامی و حمایت از فرزندان و شوهران‌شان که در جبهه‌ها با خون خود از آن پاسداری می‌کردند (عباس ۱۳۸۴: ۱۶۰). زن محجبه در گفتمان جنگ، امکان آن را داشت که پذیرای مسئولیت‌های اجتماعی جدید در امت اسلامی باشد.

در این فضا، یکی از مواضع مخالفت با بی‌حجابی با استناد به دفاع از خون شهدا صورت می‌گرفت. در قطعنامه بزرگ‌داشت روز زن در فروردین ۱۳۶۲ در دانشگاه تهران آمده است:

از آنجا که اصالت، عظمت آزادی زن در عفت و شرف و حجاب اوست ما... بنا به فرمان امام عزیزمان دیگر اجازه نخواهیم داد عده‌ای از خدا بی‌خبر با پشت‌پا زدن به خون شهداء بار دیگر با بی‌حجابی به جامعه اسلامی مان خدشه وارد نمایند (روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۱۱۱۳: ۱۰).

از طرف دیگر، رشد نشانه‌های بی‌حجابی در روزنامه‌ها هشدار داده می‌شد. مقاله‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی به این موضوع پرداخته و در آن از «ترویج فساد» ابراز

نگرانی کرده است (ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۱۳۹۸: ۱۶). در این فضا تا سال ۱۳۶۲ - که می‌توان آن را «دوران خمودی و خموشی جنبش‌های زنان لائیک» نامید (زیبایی‌نژاد و سبحانی ۱۳۷۹: ۱۷۷) منازعه خاصی بر سر حجاب بروز نکرد. علاوه بر تأثیر جنگ بر ثبوت انگاره حجاب حداکثری، جنبه ایجابی حرکت‌های براندازی علیه نظام بر تثبیت حجاب شرعی را نیز نباید نادیده گرفت. در این زمان چهار ساله از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲، «وقتی قرار شد در مراکز دولتی، حجاب رعایت شود، در عمل به همه جامعه کشیده شد. این قضیه هم‌زمان شد با حرکت‌های مسلحانه گروه‌های ضد انقلاب در داخل و طبیعتاً برخورد انقلاب با آنها... در اینجا خیلی از کسانی که بیشتر بی حجاب بودند برای این که با آدم‌های مورد پیگیری اشتباه گرفته نشوند حجاب‌شان گسترش یافت» (شریف ۱۳۸۴: ۳۴۶-۳۴۷).

ب) منازعه گفتمانی حجاب (تقابل گفتمان جنگ و تجددگرایی) و الزام حکومتی حجاب از سال ۱۳۶۲، پدیده‌ای به نام «بدحجابی» ظهور کرد که نظام سیاسی جدید با آن میانه‌ای نداشت. به اعتقاد گروهی در این مقطع، گروه‌های فمینیستی ایرانیان خارج از کشور، تلاش زیادی کردند تا حوزه مباحث فرهنگی و رفتاری خود را به داخل کشور بکشانند (راغبی ۱۳۸۴: ۱۲۰-۱۲۳). از سوی دیگر، برخی از زنان لائیک هم که به امید تغییر حکومت ایران در آینده نزدیک، به رنگ جماعت درآمده و صبرشان به سر رسیده بود، به این گروه‌های فمینیستی لبیک گفتند و قرار بر آن شد که به هر طریق ممکن اعلام وجود کنند (زیبایی‌نژاد و سبحانی ۱۳۷۹: ۱۷۷).

کمرنگ شدن فضای اتهام به بی‌حجابی مبنی بر عوامل محل امنیت و همراه شده با گروه‌های معارض با نظام - که در این زمان سرکوب شده بودند - را می‌توان علت دیگر ظهور این پدیده دانست. به عبارت دیگر، «وقتی به تدریج ناامنی‌ها برطرف شد... کسانی که خودشان حجاب را نپزیرفته، بلکه تحت شرایط موجود از آن استفاده می‌کردند به سمت گرایش‌های خود تمایل یافتند؛ مثلاً روسری‌ها عقب‌تر رفت» (شریف ۱۳۸۴: ۳۴۶-۳۴۷). در واقع باید گفت انگاره حجاب سکولارها در این زمان در تلاش بود که انگاره حجاب خود را دوباره هژمون کند. زنان سکولار به دنبال تشکیل جنبش طرفداری از حقوق زنان در خارج از کشور و نیز فراخوانی گروه‌های فمینیستی آماده می‌شدند که یک جنبش جدید را که بار اولیۀ آن بر حجاب نهاده شده بود، علیه

حکومت رهبری کنند (رمضان‌نرگسی ۱۳۸۷: ۷۸). ولی گفتمان جنگ و همبستگی مورد نیاز این فضا، فرصت طرح چنین مسائلی را نمی‌داد و جو انقلابی مردم تحمل این وضعیت را نداشت (شریف همان). لذا، مردم با مشاهده زنان بدحجاب به دولت فشار مضاعف می‌آوردند که جلوی این وضعیت را بگیرد و گاهی نیز نیروهای مذهبی خودسرانه به مقابله با اینگونه زنان می‌پرداختند.

در راستای کنترل این انحراف جدید، تکاپویی گفتمانی به راه افتاد و در این باب، «قانون تعزیرات» در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۶۲ تصویب شده و به اجرا درآمد. در این قانون آمده بود: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد». اجرای این ماده در زمان تصویب به عهده کمیته‌های انقلاب اسلامی، گشت‌های ثارالله و دادگاه‌های انقلاب بود (صدر ۱۳۸۹: ۲۳) و لذا توسل به اقداماتی قهرآمیز در دستور کار قرار گرفت.

بر اساس این قانون، زنان در ایران مکلف شدند حجاب شرعی در انظار عمومی را رعایت کنند تا جایی که دادستان عمومی تهران در بخشی از اطلاعیه خود به تمام مسئولان در ادارات دولتی و خصوصی ابلاغ کرد که «از ورود بانوانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند، جلوگیری به عمل آورند» (روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۴۱۴۹۲: ۱۰). «نشریات حکومتی این دوره پر شد از گزارش درباره رشد بدحجابی، پیشنهادهایی برای برخورد با آن، اظهارهایی به زنان بدحجاب و اخباری مبنی بر تظاهرات علیه بدحجابی» (مرادخانی ۱۳۹۰: ۱۰۹).

ولی این نقطه پایانی حکومت برای به حاشیه بردن انگاره حجاب سکولارها نبود. نگرانی از رشد بدحجابی، حکومت را به تلاش برای پرورش حجاب و انجام پژوهش‌هایی در این باب کشاند. «نخستین پیمایش‌های اجتماعی درباره علل گرایش زنان به حجاب یا بدحجابی از سال ۱۳۶۵ آغاز شد» (مرادخانی ۱۳۹۰: ۱۰۹). در همین سال قانون دیگری برای مجازات فروشندگان و پوشندگان لباس‌های خلاف شرع وضع گردید که بر اساس آن «کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد» توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه می‌گردند. به تناسب جرم، مجازات برای اشخاص عادی «تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش، تهدید، ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال و ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار

ریال» و برای کارمندان دولت علاوه بر مجازات فوق «انفصال موقت تا دو سال، اخراج و انفصال از خدمات دولتی، محرومیت استخدام به مدت پنج سال» در نظر گرفته شده است (صدر ۱۳۸۹: ۲۵-۲۶).

از این سال به بعد، طرح‌های متنوعی برای به کنترل در آوردن بدحجابی در نظر گرفته شده و به اجرا درآمد که اقبال اکثریت جامعه را نیز به دنبال داشت. وزیر کشور در اردیبهشت ماه ۱۳۶۶، طرح جدید مبارزه با بدحجابی را - که مانع استفاده این افراد از کلیه امکانات دولتی می‌شد - معرفی کرد. در فروردین ماه ۱۳۶۸، شورای عالی قضایی خواستار برخورد فعال نیروی انتظامی با بدحجابی شد. در آذر ماه همان سال، رئیس قوه قضائیه خواستار برخورد قاطع دادگاه‌ها با بدحجابی شد و در اردیبهشت ماه ۱۳۶۹، جزئیات طرح مبارزه با منکرات و بدحجابی اعلام شد (عصر ایران ۱۳۸۹/۳/۹).

۲. انگاره حجاب در گفتمان سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

الف) حد حجاب حداقلی

دوره سازندگی بنا بر ضرورت بازسازی اقتصادی، دوره اولویت توسعه اقتصادی، ورود به اقتصاد جهانی و عبور از جامعه بسته دوران جنگ به آزادی‌های مدنی بود. در این دوره، نیروهای انتظامی کمتر در خیابان‌ها حضور پیدا کردند و نظارت شدید بر رفتارهای اجتماعی، مانند شیوه‌های لباس پوشیدن نسبت به گذشته تغییرات عمده‌ای کرد و لذا، انگاره حجاب وارد مرحله تازه‌ای شد. دولت متناسب با دال مرکزی گفتمان خود تلاش کرد متناسب با الزامات سیاسی و اقتصادی، به اداره رفتار زنان در امر حجاب بپردازد. لذا انواع دیگر پوشش همچون مانتو و روسری نیز به عنوان حجاب اسلامی معرفی شدند. سینماها، فضاهای شهری و مراکز آموزشی و تجاری؛ تکنیک حکومت برای به نمایش درآوردن این نشانه گفتمانی خود بودند. با این عمل امکان ادغام ناپهنجاری‌های پیشین در سامانه نوظهور حجاب و تبدیل آنها به نشانه‌های بهنجار حجاب فراهم می‌آمد (مرادخانی ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۲).

گفتمان سازندگی در مقایسه با دهه نخست پس از انقلاب، محدوده عمل بیشتری در نحوه پوشش خود داشت و در این گفتمان، تفاسیر دینی از حجاب اسلامی مانند بسیاری از مسائل فقهی به شکل وسیع‌تری تابع الزامات عقل حکومتی گشت. در اواخر دهه شصت با طرح دیدگاه‌هایی مبنی بر «ممکن بودن فهم‌های متفاوت از

دین» و گسترش یافتن این نظریات در سطحی وسیع‌تر در دهه هفتاد، امکانات تازه‌ای برای گفتمان سازندگی در جهت تثبیت انگاره مورد نظرش از حجاب ایجاد شد. در این زمان صدور فتوایی از سوی مرجعیت دینی که به واسطه الزامات تازه سیاسی، شریعت را به سود عقل حکومتی وسعت بخشیده بود، نقش زیادی در رفع موانع تئوریک داشت (فوزی ۱۳۸۷: ۱۱۰).

ظهور نظریه «قبض و بسط تئوریک شریعت» (سروش ۱۳۷۷: ۲۴۵) زمینه پیوندهایی تازه بین عقلانیت شریعت و عقلانیت حکومت را فراهم کرد. مجموعه این عوامل، دولت سازندگی را قادر ساخت تا بتواند دال مورد نظر خود از حجاب - حد حجاب حداقلی، آزادی در نوع پوشش و اجبار حکومتی حجاب - را هژمون سازد. با عقلانی شدن حکومتی حجاب، زمینه‌های چند شکلی نمودن حجاب از سوی دولت فراهم گردید. در بخشنامه سال ۱۳۷۰ وزارت آموزش و پرورش پیرامون ضوابط پوشش مناسب دانش‌آموزان آمده است:

رنگهای مناسب برای مانتو و شلوار مشتمل بر طوسی، خاکستری، کرم، سرمه‌ای، سدری، قهوه‌ای و مشکی است... رنگ‌های مناسب برای مقنعه در مقطع ابتدایی مشتمل بر سفید، آبی، کرم، طوسی، صورتی روشن، سبز روشن و در مقطع راهنمایی و متوسطه مشکی، سرمه‌ای، طوسی و قهوه‌ای است (روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۳۵۴۶: ۳).

در واقع، ارسال این بخشنامه - مبنی بر استفاده از رنگ‌های روشن‌تر و متنوع‌تر - نشان از تحرک گفتگویی جدید می‌داد که به لحاظ اقتصادی سودآور و از نظر سیاسی مفید بود. تشکیک در گزاره «چادر تنها شکل حجاب اسلامی» و شناختن حق زنان در انتخاب بین چادر یا مانتو از راهکنش‌های دیگر این گفتمان بود. در سال ۱۳۷۲، در پژوهشی تحت عنوان «پوشش کامل اسلامی» آمده است: «حجاب کامل اسلامی تنها چادر نیست، خانمها می‌توانند با پوشیدن مانتو شلوار و روسری نیز پوشش کاملی داشته باشند». این پژوهش با اشاره به مشکلاتی نظیر «عامل اسراف در مصرف»، «پوششی دست‌وپاگیر»، «مسأله ارزبری چادر»، «کراهت رنگ مشکی در اسلام» در پذیرش چادر به عنوان تنها شکل مشروع حجاب اسلامی تردید کرده و در نهایت پیشنهاد نموده که «شکل حجاب در ایران باید تغییر کند به لباسهای بلند و راحت و رنگ‌های متنوع و زیبا با حفظ پوشش» (اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی ۱۳۷۲: ۳۲-۳۱).

ب) منازعه گفتمانی حجاب (تقابل گفتمان سازندگی و تهاجم فرهنگی) و الزام حکومتی حجاب با پایان جنگ، دسته‌ای که نگران انگاره حجاب دولت سازندگی بودند و تکنیک‌های آن را صرفاً در راستای منافع سیاسی و اقتصادی دولت و نه دارای اساس در شریعت می‌دانستند؛ با طرح مفهوم «تهاجم فرهنگی»، خود را در مقابل دولت قرار دادند. در حالی که گفتمان سازندگی به دنبال هژمون نمودن نشانه خود از حجاب بود، واضعین مفهوم تهاجم فرهنگی با غیریت‌سازی - تأکید بر حد حجاب حداکثری و اجبار حکومتی حجاب - همت گماشتند که در برابر این روند تازه مقاومت کنند. در بخشی از جراید (مثلاً در مقالاتی با عناوین «دست‌های پنهان و مخالفت با چادر» و «ملاحظات سیاسی مانع اصلی اجرای نهی از منکر») این غیریت‌سازی منعکس گردیده و انتقادات تندی از وضعیت پوشش در فضاهای شهری صورت گرفته است (ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۳۷۸۳: ۱۴؛ شماره ۴۰۹۷: ۱).

نحوه پوشش زنان در سینما نیز از دیگر مواردی بود که با مخالفت‌هایی از جانب این گفتمان مواجه شد. در این باره می‌توان به انتقاد از نحوه پوشش زنان در فیلم «افق» (به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور تولید سال ۱۳۶۷) اشاره کرد: ««افق» خواسته است که وسیله‌ای برای تفنن مخاطبان سطحی و آسان‌پسند باشد... عملیات کربلای سه تبدیل می‌شود به ملغمه درهم‌جوشی از فیلمهای هالیوودی و سینمای فردین و دیگر ستارگان... اما با پرسوناژهایی که لباس بسیجی پوشیده‌اند و زنانشان چادر شرم‌ن و مقنعه سفید» (ر.ک: نقد فیلم افق).

تحت تأثیر گفتمان تهاجم فرهنگی در ششم خرداد ۱۳۷۵، موضوع پوشش و اجباری شدن حد حجاب شرعی در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی گنجانده شد. در این تبصره، ماده‌ای آمده است:

زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد (صدر ۱۳۸۹: ۲۸).

اگرچه در این قانون همچنان موضوع «حد حجاب شرعی» مبهم است، ولی تکلیف حکومت بر مبنای دخالت در امر حجاب قطعی شده و بر اجباری شدن حجاب تأکید گردیده است.

۳. انگاره حجاب در گفتمان اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

الف) حد حجاب حداقلی و عدم الزام نسبی حکومتی حجاب

نشانه‌های گفتمان اصلاحات در رده نخست به گرد مفهوم «مردم» سامان یافت. از دیگر نشانه‌های این گفتمان، قانون، توسعه سیاسی و جامعه مدنی، حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق شهروندی، عدالت، کرامت انسانی، باور به برداشت و خوانش ملایم از دین، فقه پویا، پاس‌داشت حقوق زنان و نفی خشونت بودند (تاجیک ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۰۸؛ Tazmini 2009: 58).

راهبرد فرهنگی گفتمان اصلاحات بر انگاره‌هایی چون پذیرش تبادل فرهنگی و برخورد گزینشی و نه سلبی با اندیشه‌های گوناگون، جداسازی میان رویکرد فرهنگی از رویکرد امنیتی و خودداری از برخوردهای سلیقه‌ای با ناهنجاری‌ها استوار بود (ظریفی‌نیا ۱۳۸۷: ۱۲۳؛ Kamrava 2008: 11). این گفتمان، متناسب با دال مرکز خود، عقلانیت مردم را در کنار دو بُعد عقلانیت شریعت و عقلانیت حکومت قرار داد و لذا خواست مردم از حجاب را در تولید انگاره حجاب خود وارد نمود، امری که تا حدودی باعث چالش بین سه عقلانیت گفته شده پیرامون حجاب شد. در گزارشی از شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرامون این چالش آمده است:

تشدید اهمیت افکار عمومی، تزلزل مفهوم سنتی حاکمیت به عنوان نشانه‌های تغییرات و تحولات سیاسی و حقوقی در دنیای جدید، به اهمیت بیش از پیش مخاطب و شهروندان به عنوان مصرف کنندگان منجر شده است. بنابراین تولیدات خارجی بیشتر به ذائقه مخاطب می‌نگرد، زیرا به فرهنگ نگاهی کالایی دارد. با توجه به اینکه تولیدات داخلی در حوزه فرهنگ با یکسری محدودیت‌های عرفی و شرعی مواجه است در پاره‌ای از موارد جمع میان ذائقه مخاطب و رعایت موازین شرعی و عرفی در یک وضعیت تناقض‌گونه گرفتار آمده است. پدیده‌ای که امروزه یکی از چالش‌های مهم حوزه فرهنگ و به خصوص حوزه عفاف و حجاب به شمار می‌آید (منصوری ۱۳۸۷: ۳۴).

نتیجه هم‌نشینی سه نوع عقلانیت یاد شده، تثبیت انگاره حداقلی از حجاب بود. از این زمان، عقلانیت سیاسی گفتمان اصلاحات تعیین می‌کرد چه پوششی می‌تواند بهنجار محسوب شود. دال مردم و جامعه مدنی گفتمان اصلاحات، با تأکید بر تبعیت

جامعه از عرف خود و نه الزامات حکومتی، عدم الزام حکومتی حجاب را به طور نسبی در محاسبات سیاسی خود وارد کرد.

از ابزارهای این عقلانیت حجاب، توجه به ابعاد زیبایی شناختی حجاب و بازار مد بود. از این رو، انفجاری در رنگ، طرح و مدل مانتوها و سایر وسایل پوشش رخ داد و بازار مد وارد جنب و جوش شد. مد، کم کم توجه‌ها را جلب کرد، با فرهنگ ملی و دینی پیوند یافت و مدگرایی ملی تقویت شد و جهت گسترش فرهنگ حجاب و عفاف تحت حمایت عقلانیت حجاب گفتمان موجود قرار گرفت. این حمایت چنان بود که واکنش مخالفان انگاره پوشش دولت را باعث شد. در بند ۱۴ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای «گسترش فرهنگ حجاب و عفاف» که در دولت بعدی به تصویب رسید به مد واکنش نشان داده شده است:

تقویت روحیه تعادل در جوانان در رویکرد آنان به مدگرایی و بیان مستدل و منطقی اثرات و پیامدهای مدگرایی افراطی و پرهیز از تقلید کورکورانه از مدهای غربی و تقویت مدگرایی ملی (صدر ۱۳۸۹: ۶۴).

برای هژمون ساختن انگاره پوشش گفتمان اصلاحات، انتشار نشریات تخصصی پوشاک در دستور کار قرار گرفت و نمایش‌های زنده لباس به راه افتاد. در نشریه چلچراغ منتشر شده در ۱۳۸۶/۴/۱۶ پیرامون کیفیت یکی از این نمایش‌ها آمده است: دور تا دور سکوی وسط سالن را صندلی چیده‌اند برای تماشاگران، نمایش شروع می‌شود: دو دختر جوان هر کدام با نوع متفاوت از پوشش اسلامی از دو دری که دو طرف سکو قرار گرفته است بیرون می‌آیند. فیگورهایشان کاملاً شبیه مانکنهای خارجی است... (درفشی ۱۳۸۶: ۸۹).

مثل اینکه گفتمان مد، باعث همنشینی عناصر ملی و بومی با عناصر دینی شده بود؛ همان عناصری که تا پیش از این، راهی به سامانه پوشش نداشتند. افزون بر این، از آنجا که این سامانه اساساً بر مبنای یک دغدغه دینی تکوین یافته بود، لذا پذیرش عناصر ملی و بومی در آن همواره مشروط بر هماهنگی‌شان با حدود شرعی بود. ولی این حدود شرعی متناسب با ائتلاف گفتمانی عناصر ملی و دینی در مورد پوشش، چیزی جز هژمون شدن حد پوشش حداقلی زنان نبود. سینما، ابزار دیگر دولت برای تثبیت انگاره خود از حجاب بود؛ ابزاری که آنچه را در واقعیت رخ می‌داد، دستکاری و عرضه می‌کرد. در واقع، «سینما بیانگر وجه لیبرال عقلانیت سیاسی و عرصه بروز و ظهور زیباشناسی

حجاب در یک نظام تصویری بود» (مرادخانی ۱۳۹۰: ۱۱۹). در کنار سینما، از دانشگاه‌ها نیز برای انتشار اشکال نوین پوشش استفاده شد (نیلچی‌زاده ۱۳۷۸: ۳).

ج) منازعه گفتگویی حجاب (تقابل گفتمان اصلاح‌طلبی و خرده‌گفتمان محافظه‌کار) در مقابل دال پوشش مورد نظر گفتمان اصلاحات، خرده‌گفتمانی - که می‌توان آن را محافظه‌کار نامید و بعدها گفتمان اصول‌گرایی نامیده شد - وجود داشت و در این زمینه غیریت‌سازی می‌کرد و عقلانیت ترکیبی و آمیخته شده دولت را مطابق با متن شریعت نمی‌دانست و به نقد انگاره پوشش دولت می‌پرداخت. در یکی از این نقدهای جدی که در مقابل سینمای گفتمان اصلاحات نمود یافته، آمده است:

رشد پدیده بدحجابی در سینمای ایران به شکل محسوس سرعت گرفته است. به گونه‌ای که امروزه پدیده غالب در فیلمهای ایرانی، زنان موباز و بلوز و شلواری است. گویی حجاب، ارزان‌ترین کالایی است که در قایق برگل نشسته سینمای ایران سنگینی می‌کند (نقی‌زاده ۱۳۸۶: ۷۷).

در گزارشی از وضعیت حجاب در دانشگاه‌ها در این زمان آمده است:

نشانه‌های آشکاری از سهل‌انگاری و عدم پذیرش کامل حجاب در میان دختران دانشجو به وضوح دیده می‌شود: نرخ فزاینده مانتویی شدن دانشجویان چادری، تمرد در آشکار نمودن بخشی از موهای سر به نحو آراسته و حتی با پوشش چادر، آرایش چهره‌ها و دست‌ها، پوشش مانتو و شلوارهای نامناسب (نیلچی‌زاده ۱۳۷۸: ۳).

۴. انگاره حجاب در گفتمان اصول‌گرایی (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

الف) حد حجاب حداکثری و الزام حکومتی حجاب

گفتمان اصول‌گرایی، دال‌های شناوری چون «اسلام» و «تهاجم فرهنگی» را حول دال مرکزی «ولایت» مفصل‌بندی نمود. اصول‌گرایان بر رابطه میان دو نهاد دولت و مذهب پافشاری می‌کردند (قوچانی ۱۳۸۵: ۱۹۲). در واقع، نشانه‌هایی مانند اجرای احکام و حدود اسلامی، باور به تهاجم فرهنگی، دگرسازی با غرب و نیروهای لیبرال در کشور و حمله به توسعه سیاسی از برجسته‌ترین نشانه‌های این گفتمان است (ایزدی و رضایی‌پناه ۱۳۹۲: ۴۷-۵۰؛ تاجیک و روزخوش ۱۳۸۷: ۱۰۹). دال مبارزه با تهاجم

فرهنگی بر انگارهٔ حجاب تأثیر عمیقی گذاشت. ابراز قدرت و ورود این دال به عرصهٔ پوشش به دوران گفتمان سازندگی بازمی‌گردد، اما اینک اوضاع فرق می‌کرد. این دال در دورهٔ سازندگی خرده‌گفتمانی بیش نبود؛ ولی اینک یکی از ابعاد قدرتمند گفتمان مسلط گشته بود. در گفتمان اصول‌گرایی، انگارهٔ پوشش فضای گفتمانی سابق نماد کامل بدحجابی و تهاجم فرهنگی دانسته می‌شد که به شدت باید با آن برخورد می‌شد. انگارهٔ پوشش مورد نظر گفتمان اصول‌گرایی «حد حجاب حداکثری با الزام حکومتی» بود، ولی در راهکنش (تاکتیک) اختلاف نظر وجود داشت.

این گفتمان در ابتدا به شدت به غیریت‌سازی انگارهٔ پوشش سابق دست زد. نقطهٔ اوج این فرآیند، تصویب قانونی تحت عنوان «راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» بود که در ۱۳ دی ۱۳۸۴ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید (صدر ۱۳۸۹: ۶۴). بسیاری از مواد این قانون انتقادی شدید به انگارهٔ حجاب گفتمان اصلاحات بودند. در این قانون تحت عنوان «سیاست‌ها و راهکارها» آمده است: تعیین ضوابط و هنجارهای روشن پیرامون نوع پوشش افراد در بخش‌های رسمی؛ نظارت بر رعایت حریم حجاب در سازمان‌های دولتی، رعایت حجاب از سوی مسئولان حکومتی و خانواده‌های آنان، ارزیابی دقیق از اجرای طرح‌ها توسط دستگاه‌های فرهنگی، انتظامی و قضایی برای مقابله با مظاهر بدحجابی (صدر ۱۳۸۹: ۶۴).

این قانون خواستار «وضع قوانین و مقررات لازم برای اصلاح وضعیت پوشش در جامعه» و «گسترش و تقویت مراجع قانونی برای ترویج پوشش اسلامی در جامعه» شده و در آن «اعلام حدود و ضوابط قانونی عفاف و ملاک‌های بدحجابی در جامعه به منظور تشخیص مصادیق آن» به پلیس واگذار شده است. وظایف تخصصی نیروی انتظامی در زمینهٔ گسترش فرهنگ و عفاف در این قانون این گونه توصیف شده است: همکاری با سازمان‌های ذیربط در فضا سازی تبلیغی و فرهنگی در همه اماکن تفریحی و عمومی در مقابله با بدحجابی، تذکر به افراد بدحجاب و برخورد با آنها طبق ضوابط قانونی در اماکن عمومی، ممانعت از نمایش لباس‌هایی که موجب بدحجابی می‌شوند، الزام برگزار کنندگان مراسم عروسی و آرایشگاه‌ها به رعایت ضوابط شرعی و قانونی عفاف، نظارت مستمر در اماکن تجاری عمومی بر نحوهٔ پوشش برای رفع بدحجابی، آموزش، ساماندهی و بکارگیری نیروهای آگاه زنان جهت نظارت بر رعایت حجاب (صدر ۱۳۸۹: ۶۴).

ب) کشمکش‌های تاکتیکی در گفتمان اصول‌گرایی برای اجرای قانون حجاب راهکنش اول - که طرفداران خود را در این گفتمان داشت - برخورد انتظامی با بدحجابان یا بی‌حجابان بود. قانون توصیف شده، به سرعت و با شدت اجرای می‌شد. پلیس - که در این قانون مرجع اعلام حدود و ضوابط حجاب بود - تا آنجا پیش رفت که خود، طرح‌هایی را پیشنهاد کرد و به اجرا گذاشت. این گفتمان به دنبال حد پوشش حداکثری بود و هر گونه تمرد از این حد را نماد بدحجابی و بی‌حجابی می‌دانست. پلیس در اجرای این طرح، حوزه مداخله جدیدی را برای خود تعریف کرد: در سال ۱۳۸۶، طرح «ارتقای امنیت اجتماعی» و طرح «امنیت اخلاقی» و دایر نمودن گشت ارشاد در دستور کار نیروی انتظامی قرار گرفت. فرماندهی انتظامی استان تهران در خرداد ۱۳۸۷، از دستگیری ۱۰۹۸ زن به دلیل پوشش نامناسب و ارسال ۱۱۴ نفر به دادگاه و دستگیری ۸۳ نفر به دلیل برگزاری مراسم جشن خبر داد (خبرگزاری فارس ۱۳۸۷/۳/۱۲).

همچنین اداره ارشاد کرمان نیز استفاده از رنگ‌های سفید و زرد و قرمز را برای زنان در ادارت تابعه، ممنوع و آنها را جلف نامید (تابناک ۱۳۸۷/۶/۱۳). رئیس پلیس فرودگاه‌های کشور در شهریور ۱۳۸۷ اذعان داشت «پلیس از سفر ۱۲۸ نفر به دلیل بدحجابی جلوگیری کرد و به ۱۷۱ هزار و ۱۵۱ نفر نیز تذکر داد و از شش هزار و ۷۹۹ نفر نیز تعهد کتبی گرفت» (خبرگزاری فارس ۱۳۸۷/۶/۹). در تابستان ۱۳۸۷، یک سال پس از اجرایی شدن طرح‌ها، نیروی انتظامی از اختصاص بودجه ۱۰۳ میلیاردی به این طرح و دائمی شدن آن خبر داد (روز آنلاین ۱۳۸۷/۴/۲). درگیری‌های بسیاری بین مردم و گشت ارشاد در شهرهای مختلف ایران از آغاز این طرح به وقوع پیوست. سال ۱۳۸۷، از سوی پلیس، سال تثبیت طرح ارتقای امنیت اجتماعی نامیده شد. در فاز جدید اقدامات پلیس برای کنترل پوشش مردم، نیروی انتظامی به جز بازداشت افراد به علت نوع پوشش، از آنان پیرامون محل خرید لباس تحقیق و سپس نسبت به پلمب فروشگاه‌ها اقدام می‌کرد (همشهری ۱۳۸۷/۳/۲۸).

راهکنش دیگر این گفتمان، قائل شدن تفاوت بین بی‌حجابان و استفاده از ابزار فرهنگی در قبال گروه ناآگاه بود. محمود احمدی‌نژاد - رئیس جمهور وقت - در گفت‌وگوی تلویزیونی در ۱۵ خرداد ۱۳۸۸ گفت: «مسئله حجاب، مسأله‌ای فرهنگی است و با روش‌های فرهنگی و گذشت زمان حل می‌شود و نه از طریق انتظامی» و

هفت ماه بعد مجدداً اظهار داشت:

باید بین عموم مردم که از روی ناآگاهی بدحجاب هستند و بدحجاب‌های سازماندهی شده، تفاوت اساسی قائل شد. با گروه اول باید به صورت فرهنگی و محترمانه برخورد کرد و با گروه دوم هم پس از شناسایی باید به صورت قانونی، برخورد قضایی کرد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری).

اختلافات طرفداران راهکنش اول و دوم به صف‌آرایی نیز کشیده شدند. از اوایل بهار ۱۳۸۹، موضوع حجاب به اولویت اصلی رسانه‌ها تبدیل گردید و بسیاری از شخصیت‌های دینی و سیاسی خواستار برخورد شدید با بدحجاب‌ها با روش‌هایی مانند تشدید اجرای گشت ارشاد و همچنین «ممنوع کردن ورود بدحجاب‌ها به دستگاه‌های دولتی و دانشگاه‌ها» شدند (جامعه‌خبری تحلیلی الف ۱۳۸۹/۲/۲۲).

در ۲۳ خرداد، رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی، دیدگاه‌های خود در زمینه حجاب را تکرار و از برخوردهای انتظامی صورت گرفته با موضوع بدحجابی انتقاد کرد. این اظهارات با واکنش شدید علما و شخصیت‌های سیاسی روبه‌رو شد. محمدتقی رهبر - رئیس مجمع نمایندگان روحانی مجلس - گفت:

اگر مبنا را سخنان اخیر رئیس‌جمهور قرار دهیم باید منتظر کشف حجاب باشیم (خبر آنلاین ۱۳۸۹/۳/۲۵).

آیت‌الله احمد جنتی (امام جمعه موقت تهران) اظهار داشت:

برخی حرف‌هایی می‌زنند که... وقتی کار به موضوع مبارزه با بدحجابی می‌رسد می‌گویند باید کار فرهنگی صورت گیرد؛... چرا برخی برای فقه اسلام و فتاوی‌ای علما ارزش قائل نیستند؟ (خبرگزاری فارس ۱۳۸۹/۳/۲۸).

آیت‌الله مکارم شیرازی بیان داشت:

مسئولان مراقب سخنان خود باشند و بدانند خانواده‌های شهدا و نیروی بسیج مخلص، حوزه‌های علمیه و تمام وفاداران انقلاب اجازه نخواهند داد... حجاب که از ضروریات اسلام می‌باشد... زیر سؤال برود (ر.ک:

خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۸۹/۴/۹).

در دوم شهریور، رئیس‌جمهور افراد بدحجاب را در چهار گروه قرار داد: گروه اول و دوم به ترتیب «زنان خیابانی» و «مانکن‌ها» و گروه سوم کسانی بودند که «لجبازی سیاسی» علت پوشش نامناسب آنها بود. گروه چهارم نیز که به عقیده‌ی وی بخش زیادی

از زنان بدحجاب را در بر می‌گرفت، «از روی غفلت و ندانستن درست مطلب» به این وضعیت دچار شده بودند. رئیس‌جمهور برخورد انتظامی با سه گروه اول را لازم و شیوه برخورد با گروه چهارم را نه برخورد انتظامی بلکه امر به معروف دانست (پایگاه خبری ۵۹۸ - ۱۳۸۹/۲/۶).

رئیس‌جمهور در ۲۴ اسفند ماه به مجلس فراخوانده شد. یکی از سؤالات نمایندگان مربوط به حجاب بود. در این جلسه، علی مطهری (نماینده تهران)، دیدگاه‌های فرهنگی دولت را «لیبرال» خوانده و گفت که «چراغ سبز نشان دادن» رئیس‌جمهور منجر شده تا وضعیت حجاب «خارج از کنترل» شود (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری). در پنجم دی ۱۳۹۱، احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی کل کشور، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که خواسته رئیس‌جمهور مبنی بر دسته‌بندی بدحجاب‌ها و برخورد متناسب با هر گروه قابل اجرا نیست و «تأکید بر کار فرهنگی در زمینه حجاب [را] نشانه سوءنیت گویندگان و برنامه‌های آنها برای جلوگیری از برخورد انتظامی این نیرو با بدحجابی» دانست (روزنامه کیهان شماره ۲۰۳۹۰: ۱).

نتیجه‌گیری

مسئله حجاب از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ ش. در کلان‌گفتمان اسلام‌گرایی، معلول قرائت‌های متفاوت خرده‌گفتمان‌های دوران آن گفتمان اسلام‌گرایی، بر مبنای فضای گفتمانی خود، از انگاره حجاب اسلامی (حد حجاب شرعی - حد حجاب حداکثری و حداقلی - و تکلیف حکومت در الزام یا عدم الزام به حجاب) است. هر یک از خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی بر مبنای فضای گفتمانی خود، در تلاش بوده‌اند انگاره خود از حجاب را حاکم سازند.

انسجام گفتمانی در دوره جنگ (۱۳۶۰/۱۳۶۸ ش.) اولاً تنها یک انگاره از حجاب - حد حجاب حداکثری - را حاکم ساخت تا جایی که در این فضا، بر خلاف دیگر فضاهای گفتمانی آتی، هیچ منازعه‌ای در درون گفتمان اسلام‌گرایی پیرامون انگاره حجاب روی نداد. و ثانیاً باعث شد که بسیاری مسائل از جمله موضوع آزادی‌های اجتماعی و آزادی حجاب، برابری حقوق زن و مرد و مسائلی از این دست در حاشیه قرار گرفته و یا اساساً اصلاً مسئله اقلیت راحت‌طلب تلقی شود. از سوی دیگر، مسئله پوشش بانوان در طول جنگ علی‌رغم منازعات گفتمانی کم‌دامنه بین گفتمان اسلام‌گرایی و سکولارها

هیچ‌گاه به عنوان مشکل حاد مطرح نگردید. این فضا به شدت نشانه‌های پوشش مورد نظر سکولارها را به حاشیه برد و حد حداکثری حجاب و الزام حکومتی حجاب - با قانون و بخشنامه را - هژمون ساخت.

انگاره حجاب در فضای گفتمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ش، در فضای مبتنی بر غیریت‌سازی بین گفتمان دولت‌سازندگی و انگاره مورد نظر این دولت از حجاب - حد حجاب حداقلی و اجبار حکومتی - و واضعین مفهوم تهاجم فرهنگی و انگاره مورد نظر آنها - حد حجاب حداکثری و اجبار حکومتی حجاب - شکل گرفت. وضعیت ایجاد شده خالی از تشنج نبود. در انتها، گفتمان سازندگی توانست حد حداقلی حجاب و آزادی در نوع پوشش را هژمون سازد و در مقابل این گفتمان تهاجم فرهنگی بود که در انتهای دولت سازندگی توانست با گذراندن قانونی بر اجباری شدن حجاب و وظیفه دخالت حکومت در باب حجاب، نمایی از انگاره مورد نظر خود را تثبیت کند.

گفتمان اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴ش.) با ترکیب سه نوع عقلانیت مردم، شریعت و حکومت، انگاره حجاب حداقلی و عدم الزام نسبی حکومتی حجاب را برگزیده و هژمون ساخت. ابزار این گفتمان تشدید جنبه زیبایی شناختی حجاب، حمایت از مد در پیوند با فرهنگ ملی و دینی، رسانه (به ویژه سینما) و دانشگاه‌ها بودند. در مقابل خرده‌گفتمان محافظه‌کار، که بعداً اصول‌گرایی نامیده شد، به نقد انگاره‌های پوشش گفتمان اصلاحات پرداخته و با افول گفتمان اصلاح‌طلبی در اواخر سال ۱۳۸۴ش، با تصویب قانون انگاره پوشش مورد نظر این گفتمان (حد حجاب حداکثری و الزام حکومتی حجاب) تثبیت گشت.

انگاره حجاب مورد نظر گفتمان اصول‌گرایی (۱۳۸۴-۱۳۹۲ش.) «حد حجاب حداکثری با الزام حکومتی» بود که به طرد انگاره حجاب پیشین دست یازید. در این گفتمان در پیاده‌سازی انگاره حجاب مزبور راهنکش اختلاف نظر وجود داشت. یک تاکتیک، برخورد انتظامی با بدحجابان یا بی‌حجابان تحت لوای قانون بود. تاکتیک دیگر این گفتمان که قوه مجریه وقت طرفدار آن بود، تمییز بین بی‌حجابان و استفاده از ابزار فرهنگی در قبال گروه ناآگاه بود. اختلافات طرفداران راهنکش اول و دوم به تقابل نیز کشیده شدند که نهایتاً راهنکش نخست هژمون گردید.

منابع کتاب‌ها

- اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۷۲) *پوشش کامل اسلامی*، تهران: انتشارات اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹) *جامعه امن در گفتمان خاتمی*، تهران: نشر نی.
- زیبایی نژاد، محمدرضا؛ سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۹) *درآمدی بر نظام شخصیتی زن در اسلام*، قم: انتشارات دارالثقلین.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷) *قبض و بسط و تئوریک شریعت*، تهران: انتشارات صراط.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴) *قدرت، گفتمان و زبان ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.
- صدر، شادی (۱۳۸۹) *مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات ورجاوند.
- ظریفی نیا، حمیدرضا (۱۳۸۷) *کالبدشکافی جناحهای سیاسی ایران ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸*، تهران: انتشارات آزادی اندیشه.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۷) *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: انتشارات عروج.
- قوچانی، محمد (۱۳۸۵) *پدرخوانده و راستهای جوان، افول اصلاح طلبان و ظهور اصولگرایان*، تهران: انتشارات سرائی.
- منصوری، محمد سادات (۱۳۸۷) *تحقیقات پیمایشی انجام شده در خصوص حجاب و عفاف*، تهران: انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نیلچی زاده، فروغ (۱۳۷۸) *بررسی راهکارهای هنجارسازی و تقویت گرایش دانشجویان به حجاب اسلامی*، تهران: انتشارات دبیرخانه شورای اسلامی کردن دانشگاهها، معاونت آموزشی - پژوهشی نهاد.
- واحد انتشارات آثار و اسناد شهداء و ایثارگران استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۸۸) *آثار اسناد شهداء و ایثارگران: وصیتنامه شهداء، دفتر اول*، تهران: واحد انتشارات آثار و اسناد شهداء و ایثارگران استان کهگیلویه و بویراحمد.

مقالات

- ایزدی، رجب و رضایی‌پناه، امیر (۱۳۹۲) «مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران»، *جستارهای سیاسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره چهارم.
- تاجیک، محمدرضا و روزخوش، محمد (۱۳۸۷) «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران از منظر تحلیل گفتمان»، *دو فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶، شماره ۶۱.
- درفشی، دنا (۱۳۸۶) «جشنواره زنان سرزمین من»، *هفته‌نامه چلچراغ*، شماره ۲۵۳.
- راغبی (بیات) معصومه (فروردین ۱۳۸۴) «چهره زن ایرانی در مطبوعات بیگانه» *ماهنامه پیام زن*، شماره ۱۵۷
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۷) «بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی»، *حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی (جلد دوم: مقالات فرهنگی اجتماعی)*، به کوشش ابراهیم شفیعی سروستانی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق.
- شریف حسین (۱۳۸۴) «فرهنگ عفاف، آسیب‌ها و راه‌کارها»، *پیام زن*، شماره ۱۵۷.
- عباس، دلال (فروردین ۱۳۸۴) «زن در جامعه معاصر ایرانی» *ترجمه: ح.ش.*، *ماهنامه پیام زن*، شماره ۱۵۷
- نقی‌زاده، حسن (۱۳۸۶) «سینما و حجاب (۱)»، *ماهنامه مبلغان*، تهران: شماره ۱۰۱.

پایان‌نامه

- مرادخانی، همایون (۱۳۹۰) «حکومت‌گری و بازسازی فرهنگی جامعه: شرایط امکان پیدایش سوژه پوشش پس از انقلاب اسلامی»، *پایان‌نامه دکتری*، دانشگاه تربیت مدرس.

نشریات

- *روزنامه جمهوری اسلامی*، شماره ۴۰۹۷ (۵/ ۱۳۷۲/۵).
- شماره ۳۵۴۶ (۱۳۷۰/۶/۱۳)
- شماره ۱۱۱۳ (۱۳۶۲/۱/۱۶)
- شماره ۱۳۹۸ (۱۳۶۳/۱/۷)
- شماره ۳۷۸۳ (۱۳۷۱/۴/۹)

— شماره ۴۱۴۹۲ (۱۳۶۳/۵/۴)

— روزنامه کیهان، شماره ۲۰۳۹۰ (۱۳۹۱/۱۰/۵)

منابع لاتین

- Kamrava, Mehran (2008) *Iran's Intellectual Revolution*, New York: Cambridge University Press.
- Tazmini, Ghonche (2009) *Khatami's Iran: The Islamic Republic and the Turbulent Path to Reform*, London: I.B.Tauris.
- Laclau, Ernesto (Ed.) (1994), *The Making of Political Identities*, London: verso.

منابع اینترنتی

- پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳: صص ۲۴۷-۲۵۳، قابل دسترسی در: http://www.jamran.ir/fa/NewsContent-id_18257.aspx
- ——— (۱۳۹۱/۰۴/۲۶) «سیدمحمدعلی ایازی: حجاب امری اجتماعی نیست که مجازات داشته باشد»، قابل دسترسی در: <http://www.jamran.ir/fa/n22332>
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۸۹/۴/۹).
- تابناک (۱۳۸۷/۶/۱۳) «رنگ سفید در کرمان ممنوع شد»، قابل دسترسی در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/17191/>
- دختایران، مجله اینترنتی زنان و خانواده (۱۳۹۲/۱/۱۰) «آیا حکومت اسلامی باید حجاب را اجباری کند؟» قابل دسترسی در: http://www.dokhtiran.com/report/1392_11_01/002589.php
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری
- پایگاه خبری ۵۹۸ «حرفهای منتشرنشده و متفاوت احمدی‌نژاد در مورد حجاب» (۱۳۸۹/۶/۲) قابل دسترسی در: <http://www.598.ir/fa/news/46621>
- جامعه خبری تحلیلی الف، «حجاب الزام اجتماعی است»، قابل دسترسی در: <http://old.alef.ir/vdcfjvde.w6dycagiiw.html?71684>
- خبر آنلاین، «رئیس مجمع نمایندگان روحانی: اگر مبنا را سخنان اخیر رئیس‌جمهور قرار دهیم باید منتظر کشف حجاب باشیم» (۱۳۸۹/۳/۲۵) قابل دسترسی در: <http://www.khabaronline.ir/detail/69122>
- خبرگزاری فارس (۱۳۸۷/۳/۱۲) «طرح امنیت اجتماعی بانوان در تهران به اجرا در آمد» قابل

- دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8703129504>
- _____ . (۱۳۸۷/۶/۹) «پلیس فرودگاه از سفر ۱۲۸ مسافر بدحجاب جلوگیری کرد» قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8706090981>
- _____ . (۱۳۸۹/۳/۲۸) «هیچ کس حق ندارد نیروی انتظامی را در مبارزه با بدحجابی محدود کند»، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8903280404>
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۱/۴/۲۳) «استفتاء از ۹ مرجع تقلید درباره ضرورت و نوع حفظ حجاب و عفاف» قابل دسترسی در: <http://www.mehrnews.com/news/1648768>
- روز آنلاین، «طرح ارتقای امنیت اجتماعی دائمی می‌شود» قابل دسترسی در: http://www.roozonline.com/archives/2008/06/post_7940.phpm
- سایت تحلیلی خبری عصر ایران، «تاریخچه برخورد با بدحجابی در جمهوری اسلامی»، (۱۳۸۹/۳/۹) قابل دسترسی در: <https://www.asriran.com/fa/news/117817>
- همشهری آنلاین، «دور جدید طرح ارتقای امنیت اجتماعی» (۱۳۸۷/۳/۲۸)، قابل دسترسی در: <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=58092>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، «پاسخ به سؤالات شرعی مخاطبان درباره احکام پوشش و آرایش» (۱۳۹۵/۴/۲۱) قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33330>
- سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی، «نقد فیلم افق»، قابل دسترسی در: www.Aviny.com/Naghd_Film/Ofogh.aspx